

طبقات و علم رجال فراوان به چشم می خورد که هر یک شکلی خاص از شرح حالنگاری است.

شرح حالنگاریهای موجود در فرهنگ اسلامی را تقریباً به شش قسم کلی می توان تقسیم کرد:

یک: شرح حالنگاریهای فردی یا تک نگاری؛

دو: شرح حالنگاریهای خاندانی؛

سه: شرح حالنگاریهای طبقات اجتماعی یا صنفی؛

چهار: شرح حالنگاریهای عمومی یا معجمی؛

پنج: شرح حالنگاریهای سیاسی؛

شش: شرح حالنگاریهای راویان حدیث.

هریک از این شش شاخه از شرح حالنگاری در فرهنگ اسلامی نمونه های فراوان دارد.

کلماتی از قبیل «تاریخ» و «ترجمه» در گذشته فرهنگ اسلامی به معنی شرح حالنگاری بوده است.

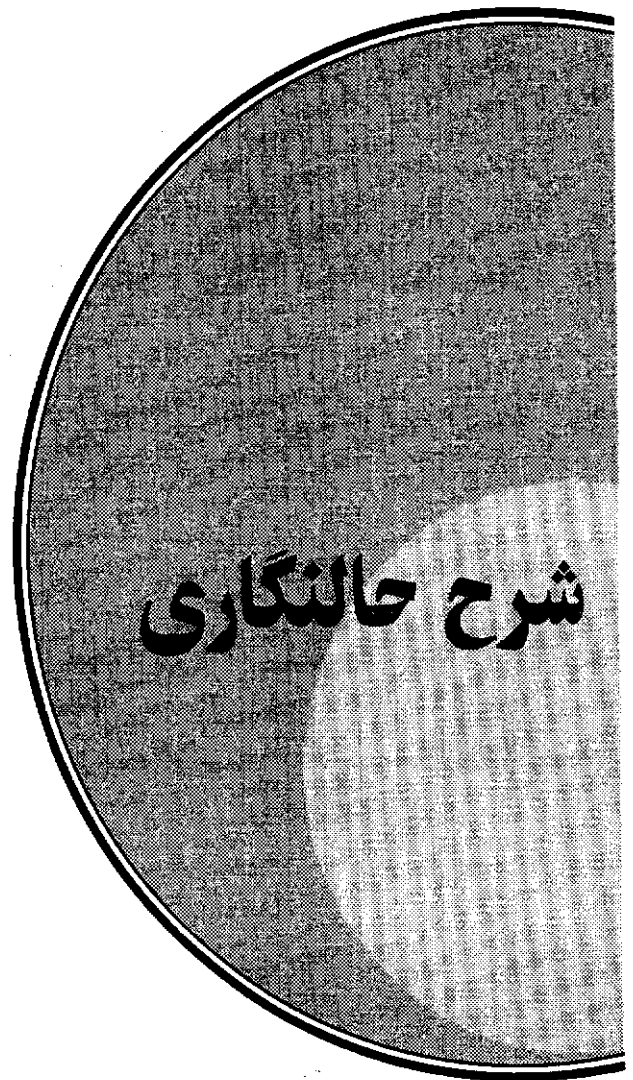
تاریخ بخاری همان زندگینامه بخاری است. تاریخ بغداد مجموعه ای از زندگینامه هاست: کسانی که در بغداد متولد شدند، کسانی که در بغداد تحصیل کردند، کسانی که در بغداد فوت کردند یا دفن شدند، و یا مناسبتی دیگر با آن سرزمین داشته اند.

کتاب طبقات الشافعیه سبکی یک زندگینامه معجمی است که در آن به زندگی علمای شافعی و شخصیتهای بزرگ دیگر فرقه ها پرداخته شده است.

در میان بزرگان شیعه نیز این کار معمول بوده است. رجال شیخ طوسی، معرفه الناقلین کشی، رجال نجاشی و کتاب رجال ابن داود هر کدام نوعی شرح حالنگاری است. رجال ابن داود دارای اسلوبی خوب و قالبی زیباست. او برای اولین بار در تنظیم مطالب از ترتیب الفبایی استفاده کرده که بعد از آن مورد تقلید دیگران واقع شد.

در میان شاخه های موجود شرح حالنگاری به راویان حدیث توجه بیشتری شده است. توجه به شرح حالنگاریهای عمومی یا معجمی هم به اندازه کافی بوده است. مثلاً آثاری مانند اعیان الشیعه و طبقات اعلام الشیعه در دست است. اما این واقعیت را نمی توان منکر شد که دیگر شاخه های شرح حالنگاری در فرهنگ اسلامی از قوت چندانی برخوردار نیست.

بدون شک عالمان و متفکران یک مکتب نمایی مجسم از



به مناسبت برگزاری کنگره بزرگداشت شیخ مفید - ره - موضوع یکی از جلسات هیئت تحریریه آینه پژوهش، شرح حالنگاری بود. در این جلسه درباره اقسام شرح حالنگاری و تاریخچه آن در گذشته فرهنگ اسلامی و چگونگی شرح حالنگاری شیخ مفید سخن رفت. آنچه در پی می آید، تلخیص جلسه یاد شده است که با حفظ لحن سخنان و تنها با تغییراتی جزئی منتشر می گردد.

نگاهی اجمالی به گذشته فرهنگ اسلامی، رونق شرح حالنگاری را در گذشته این فرهنگ می یابیم. گرچه شرح حالنگاری در اسلام تاسیس نشده و مسلمانان مبتکر این فن نبودند، اما بعضی از شاخه های آن را تاسیس کردند و بعضی دیگر را تکامل بخشیدند.

در فرهنگ اسلامی واژهایی چون تراجم، موالید، و فیات،

سیاست ویژه‌ای که برای اداره کشور بزرگ اسلامی آن روز داشته ، برای ما آشکار نیست .

علی بن یقطین از رجال بزرگ شیعه و از اصحاب پنهان حضرت امام موسی کاظم -ع- بود که توانست تا حد صدارت دستگاه بنی العباس پیش برود . این یک کار ساده نیست که بتوان بسادگی گفت او مرد تقیه بوده است . علی بن یقطین باید دارای سیاستی بس ویژه و عمیق باشد که این بر ما پوشیده است . زندگی علی ابن یقطین جدا از اینکه به عنوان محدث و شیعه امام موسی بن جعفر -ع- مورد توجه است ، باید به عنوان یک سیاستمدار شیعی هم مورد دقیق قرار گیرد .

دنیای امروز در معرفی رجال سیاسی خود به نکات بسیار ریز و دقیقی توجه می کند که ما می توانیم از آن درباره این شاخه از شرح حالنگاری استفاده کنیم و این گونه نباشند که شرح حال مردان سیاسی اسلام لابلای عبارتی کلی و تا حدودی مبهم مخفی باشد .

زندگینامه سیاسی اگر درست تدوین شود می تواند تجربیات سیاسی ، حکومتی و مدیریتی گذشتگان را به سند آینده منتقل کند و این یک ضرورت است .

از جمله کتابهایی که در فرهنگ اسلام در این زمینه نگارش یافته ، کتاب مسائل ابو حیان توحیدی است که به شرح حال سیاسی دو وزیر پرداخته است .

تاریخ و فرهنگ اسلامی ، رجال بسیار بزرگی را دارد که هر یک موجب پیدایش نقطه عطفی در آن شدند و ابعاد مختلف زندگی ایشان می تواند فرازهای بسیاری را در شناخت بهتر این مکتب بگشاید . همت بلند ما در شرح حالنگاری درست و دقیق می تواند تا حدودی ضعف گذشتگان ما را در این مهم جبران کند .

امروز که دنیا شرح حالنگاری را بیشتر از دریچه شناخت درست و تحلیل نگاه می کند ، جای آن دارد که ما نیز به آنچه این دریچه را به روی ما می گشاید بیشتر توجه کنیم .

از آفتهای شرح حالنگاری ، نگاه شخص پرستانه است . اگر نگاه شرح حال نویس تنها برگرفته از ارادت فوق العاده او نسبت به فرد باشد می تواند حاصل کار او را غیر واقعی و کم فایده کند . چرا که این نگاه فاقد قدرت تحلیل است و نمی تواند درست با فراز و نشیبهای زندگی یک فرد برخورد کند . نگاه فرد عاشق به معشوق خویش نمی گذارد معایب او نیز در کنار

دریافت آن در زمان خویش اند و شخصیتهای سیاسی و اجتماعی آن در هر زمان بخشی از گستره آن را به نمایش گذاشته اند . در مجموع شخصیتهای بزرگ یک مکتب حاملان فرهنگ آن در زمان خویش اند که شناخت زندگی ایشان ما را در شناخت آن مکتب یاری می کند .

دنیای امروز جایگاه شرح حالنگاری را شناخته و در شاخه های گوناگون آن به قواعد و استانداردهای خوبی رسیده است . ما نیز باید به آن اهمیت بیشتری بدهیم و به رفع نواقص آن بپردازیم . ما در زمینه تک نگاری در فرهنگ اسلامی ضعیف هستیم .

چرا باید زندگینامه تک نگاری شده در میان ما کم باشد . ما راجع به زندگی اکثر بزرگان فقط در شرح حالنگاریهای معجمی مطالب داریم و از آنجا که این مجموعه ها ظرفیت ، قالب و محتوای ویژه ای دارد ، نمی تواند به تمام ابعاد زندگی ایشان بپردازد و بیشتر در پی کلیات است . شما برای اطلاع از جزئیات زندگی و مراحل تطور فکر بزرگان فرهنگ اسلامی مشکلات زیادی دارید . از آن روزی که شیخ طوسی وارد حوزه بغداد شد تا آن روزی که در نجف به عنوان برجسته ترین عالم شیعی از دنیا رفت ، مراحلی را پشت سر گذاشت که در هیچ کتابی آن را نمی یابیم . اگر تک نگاریها رواج بیشتری می داشت ما این مشکل را نداشتیم . آنچه از تک نگاریها نیز موجود است ، مانند رساله ای که راجع به زندگی ابوبصیر یا دیگران داریم ، بیشتر از علاقه و انگیزه های شخصی مؤلفین ناشی شده است ، نه از مرسوم بودن شیوه تک نگاری .

ما در زمینه شرح حالنگاری سیاسی که به زندگی سیاسی افراد و ابعاد و مراحل مختلف آن بپردازد نیز ضعیف هستیم . زندگی سیاسی رجال بزرگ ما چندان مشخص نیست . سعیدبن جبیر ، جدا از اینکه مفسر قرآن و یک محدث بود ، یک مرد سیاسی و دارای آرمان و اندیشه خاص سیاسی هم بود . این مرد بزرگ در سطح زعامت عده ای از مردم مطرح بوده است و با اندیشه سیاسی خاص خود دشمنی خطرناک برای رژیم بنی امیه به حساب می آمد . ما از زندگی سیاسی او هیچ نمی دانیم . تمام نمایی که از زندگی او در ذهن داریم ، خلاصه شده است در چگونگی شهادت ایشان توسط حجاج . هارون الرشید از معدود خلفای اسلامی است که شخصیت جهانی داشته و اکنون در تاریخ رجال سیاسی دنیا مطرح است . زندگی سیاسی او و ابعاد

محاسنش دیده شود.

آنگاه که زندگی علمی یا سیاسی فردی تک نگاری می شود، باید به انگیزه نشان دادن عین واقعیتها باشد نه ساختن یک معشوق خیالی که همیشه در اوج بوده است و هیچ نقطه ضعفی ندارد.

ضعفها چه در عالم سیاست و چه در عرصه علم و دیگر حوزه ها کمتر از قوتها درس آموز نیستند، بلکه بیشتر می آموزند و با یک نگاه درست و مسؤلانه این آموزندگی نباید دریغ داشت.

آفتی دیگر که ممکن است حاصل شرح حالنگاری را تهدید کند، عدم طبقه بندی دوره های مختلف زندگی بزرگان است.

شخصیت بزرگان در طول زمان و در فراز و نشیبهای مختلف ساخته شده است. طول زندگی امتداد یک خط صاف و یکدست نیست، بلکه جریانی است از کنش و واکنشهای انبوه و گوناگون و آنچه ما در مطالعه شخصیت افراد پی می گیریم از درون این جریان به دست می آید. این جریان را باید در مقاطع مختلف زمانی شناخت و هر مقطع را در مقایسه با مقاطع دیگر در چگونگی شکل یابی شخصیت مورد نظر قرار داد.

با این کار شخصیت حقیقی بزرگان و چگونگی تکوین آن به دست می آید و از این طریق با مقایسه آراء و اندیشه های دوره های مختلف مقدار تاثیر در چگونگی تطور و تکامل آراء و اندیشه ها مشخص می شود. از مردان بزرگ و عالمان گرانقدری که چهره ایشان، آن گونه که باید، برای ما شناخته شده نیست مرحوم شیخ مفید - اعلی الله مقامه الشریف - است این استاد بزرگ شاگردانی چون مرحوم شیخ طوسی، نجاشی، ابن حمزه، سید مرتضی و سید رضی را تربیت کرده است. ما یک تک نگاری جامع درباره او نداریم، در حالی که ابعاد مختلف زندگی ایشان هر کدام می توانست زمینه نگارش یک یا چند کتاب باشد.

مرحوم شیخ مفید جدا از اینکه فقهی بزرگ و عالمی سرگ بوده است، یک رجل سیاسی و حاضر در متن جریانات جامعه خویش نیز بوده است. راجع به زندگی این عالم بزرگ که در اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم می زیسته و دارای منزلتی بس بزرگ بوده است، اکنون ما در قرن پانزدهم اطلاعات بسیار مختصری داریم. چرا که ما کتابی تک نگاری در زندگینامه ایشان نداریم. ابعاد زندگی ایشان نه در بعد علمی نه بعد سیاسی و نه حتی عمومی تک نگاری نشده است. راجع به ایشان فقط

مقالاتی در حد چند صفحه و حدود سی صفحه ابتدای کتاب المقالات داریم که مختصر اطلاعاتی از زندگی ایشان را دارد. اگر این مقدار و آنچه که نجاشی شاگرد ایشان نوشته است نبود، ایشان در تاریخ گم می شد. ما باید راجع به ابعاد مختلف زندگی بزرگان کتاب مستقل تک نگاری شده داشته باشیم.

مرحوم شیخ مفید یک زندگی پربار و بسیار قابل مطالعه داشته است. ایشان از طرفی شاگرد شیخ صدوق است و از اصحاب حدیث ایشان به شمار می رود. مکتب فقهی شیخ صدوق مکتب حدیثی است و از طرف دیگر شاگرد ابن جنید اسکافی است که اهل اجتهاد و اهل نظر بوده است.

فقاہت شیخ مفید در زمانی بوده است که دو جریان فقهی حاکم بوده است. البته غلبه با مکتب فقهی شیخ صدوق بوده است. مرحوم شیخ مفید به گونه ای موفق در این جو وارد می شود و هر دو جریان را خدشه دار می کند و کنار می گذارد. او مکتب فقهی شیخ صدوق را به لحاظ نوعی اخباریگری بسیط که داشت ضعیف می شمرد. چرا که تنها به روایت اخبار بسنده می کرد و از عقل استفاده کامل نمی کرد. همچنین او مکتب فقهی ابن جنید را نیز نپذیرفت. چرا که عقیده داشت آنان عقل را در مواردی که نباید دخالت بدهند به کار می گیرند و از این راه پای قیاس و استحسان به میان می آید. ایشان مکتب فقهی خاصی را تقویت کرد و راه جدیدی را در استنباط احکام گشود از این رو زندگی فقهی ایشان و چگونگی مراحل و تطور آن برای ما اهمیت بسیار دارد.

او در علم کلام از معدود علمای بزرگ شیعه است که بین عقاید کلامی فرق گوناگون اسلامی به کلام شیعی پرداخته و به آن هویت مستقلی بخشیده است. آراء کلامی ایشان و نقشی که در تحولات اعتقادی مسلمانان و تثبیت هویت اعتقادی خاص برای شیعه داشته بسیار مهم است.

اولین کتاب تک نگاری شده راجع به آراء کلامی ایشان را یک مستشرق نوشته و به فارسی هم ترجمه شده است.

آنچه ما امروز به عنوان فقه الحدیث می شناسیم، ریشه اولیه اش از آن شیخ مفید است. چرا که ایشان برای اولین بار به سرو سامان بخشیدن به احادیث شیعه پرداخت و بعد این شیوه توسط شاگرد ایشان مرحوم شیخ طوسی ادامه پیدا کرد.

مرحوم شیخ مفید در عرصه مسائل اجتماعی و سیاسی زمان خویش نیز حضور بسیار خوبی داشت. ایشان در پایتخت

ما یک سری شرح حالهای مستند و آکادمیک می خواهیم که در سطح محققان مورد استفاده قرار گیرد. در اینجا باید تمام معیارها و استانداردهای پذیرفته شده رعایت گردد و مطالب کاملاً مستند و درست به گونه ای تحقیقی ارائه شود.

مثل غزالی نامه مرحوم جلال‌الدین همایی یا کتاب شیخ طوسی آقای حسین عیسی حکیم نوشته شده از این دسته آثار است.

طبقه بعد، آثاری مستند اما روانتر و سادتر به گونه ای که بتواند مورد استفاده عموم قرار بگیرد و کسانی که مایل به مطالعه فرهنگ اسلامی هستند بتوانند از آن سود جویند.

کتابهایی که تحت عنوان «سلسله اعلام المسلمین» در سوریه چاپ می شود و تاکنون چهل و هشت جلد آن آمده است، این گونه است. در هر کدام آن به زندگی یکی از بزرگان فرهنگ اسلام پرداخته شده و می تواند برای عموم مفید باشد.

البته این مجموعه به فرهنگ اسلامی در حوزه تفکر اهل سنت پرداخته و متأسفانه حتی یک شخصیت شیعی در آن بحث نشده است.

و طبقه بعد آثاری است که امروزه وجود آن بسیار ضروری است. آثاری که مطالب آن کاملاً مستند و درست باشد، اما به گونه ای جذاب و بسیار روان و دلنشین تنظیم شود که شوق عمومی نسل جوان و طبقه اهل مطالعه را برانگیزد کتاب پله پله تا ملاقات خدا نمونه ای خوب از این مورد است. این کتاب که شرح حال مولانا است. مرکب از صد فصل است. شما در خلال فصلهای کتاب هیچ جا استنادی را نمی یابید. مطالب به گونه ای یک رمان دلنشین پیش می رود و خواننده را براحتی پیش می برد. در پایان وقایع مذکور مستند شده و هر واقعه ای که در فصل خاص خود آمده، در پایان، منابع و مأخذ آن ذکر شده است.



خلافت بنی عباس حوزه شیعی بسیار قدرتمندی را پایه گذاری کرد که از تمام فرقه های اسلامی در آن شرکت می کردند و همین حوزه است که آغاز فقاقت عمیق شیعه است. بجز چند نفر از بقیه فقهای بزرگ شیعی که به اصطلاح اصحاب اصول متلقا نام برده می شوند همگی از شاگردان این حوزه هستند.

دهها فقیه بزرگ و استاد مسلمی که ایشان در این حوزه تربیت کرده اند، هنوز هستند مرحوم شیخ مفید این حوزه عظیم را بسختی و با مشکلات فراوان توانست سر پا نگه دارد. سه بار به خاطر مسائل سیاسی تبعید شد. گرچه وزراء خاندان بنی عباس تمایلات شیعی داشته و از ایشان حمایتی می کردند اما دستگاه، دستگاه خلافت بنی عباس بود.

مرحوم شیخ مفید با مشرب سیاسی خوبی که داشت توانست حداکثر استفاده را از اختلاف بین قاهره و بغداد آن روز بکند. جنگ قدرتی که میان بنی عباس و فاطمیان در گرفته بود، زمینه مناسبی برای فعالیت های ایشان فراهم ساخت و ایشان از آن حداکثر بهره را برد.

از نظر داشتن یک زندگینامه سیاسی نیز حق شیخ مفید نیز ادا نشده است و ما آن اطلاعات کافی و لازم را درباره این بعد از شخصیت ایشان نداریم.

چهره ایشان در آن زمان یک چهره کاملاً شناخته شده برای کل جهان اسلام بوده است. شما در میان آثار ایشان به یک سری اجوبه المسائل بر می خورید که پاسخ سؤالاتی است که از اقصی نقاط جهان اسلام برای ایشان فرستاده می شده و ایشان پاسخ می دادند.

از شهرهای دور و نزدیک برای ایشان سؤال فرستاده می شد، در حالی که بسیاری از فقها در همان شهرها بودند.

به هر دلیلی گذشتگان ما چندان به شرح حالنگاری فنی و درست اهمیت لازم ندادند و این مهم امروز بر ماست که توجه بیشتری به آن کنیم.

آنچه مکدرموت راجع به آراء کلامی شیخ مفید انجام داد ما باید راجع به زندگی عمومی، آراء فقهی و زندگی سیاسی ایشان و دیگر بزرگان انجام دهیم. ما باید زندگی شخصیت های بزرگ را علاوه بر جهات فوق به گونه ساده برای نسل جوان بنویسیم. زندگی تمام بزرگان فرهنگ ما که هر کدام در جهتی نقطه عطف بودند، باید از هاله ابهام در بیاید. البته اولویتهایی را هم در نظر گرفت.